

**عنوان مقاله : نقش زنان در معیشت جامعه روستایی  
(با تاکید بر فعالیت های کشاورزی)  
نویسنده : عفتی عضو هیئت علمی وزارت جهاد کشاورزی  
Efati500@yahoo.com**

**چکیده :**

موضوع مورد مطالعه این تحقیق ، بررسی پیرامون جنسیت و معیشت بوده است . ما در این بررسی دنبال این مسئله بوده ایم که با توجه به نقش زنان در تولید محصولات کشاورزی و تقسیم کار جنسیتی موجود در انجام فعالیت های مختلف اقتصادی ، اجتماعی در مقایسه با مردان ، چگونه میتوان معیشت خانوار های مورد مطالعه را بهبود بخشید . جامعه آماری مورد مطالعه شامل 8 روستا در دو منطقه مرک و هنام در استان کرمانشاه ولرستان بوده است . روش تحقیق بکار گرفته شده در این بررسی ، روش پیمایش اجتماعی همراه با روش ارزیابی مشارکتی روستایی بوده است . که نهایتاً نتایج حاصل از این دو روش سعی گردیده است تلفیق شود .

بر اساس نتایج بدست آمده در این تحقیق در ارتباط با نقش جنسیتی موجود در مراحل مختلف کشاورزی باید گفت که بیشترین نقش زنان مربوط به مرحله برداشت و کمترین میزان آن مربوط به بازاریابی و فروش محصولات می باشد . در مرحله کاشت بیشترین حضور زنها در بذر افشانی ، داشت یا مدیریت محصول ، وجین کردن ، در برداشت جمع آوری محصول با دست و در مرحله پس از برداشت بیشترین نقش زنان در کیسه کردن محصول است . بیشترین میزان نقش زنان در فعالیت های دامداری به ترتیب اهمیت در زمینه شیردوشی ، فرآوری مواد لبنی ، نظافت دام ، تغذیه دام و آماده سازی غذای دام است .

در زمینه صنایع دستی تقریباً تمامی فعالیتها توسط زنان روستایی انجام میشود . گرچه میزان مشارکت زنان روستایی در انجام امور مربوط به کشاورزی و دامداری قابل ملاحظه است ، لیکن میزان نقش و حضور آنها در تصمیم گیری ، دسترسی و کنترل بر عوامل تولید در سطح پائینی قرار دارد . عرف حاکم بر روستاهای کشور و فرهنگ مرد سالاری حاکم بر خانواده های ایرانی بویژه در مناطق روستایی فرصت های چندانی را برای برخورداری زنان در تصمیم گیری و دسترسی و کنترل موثر بر عوامل تولید محدود کرده است .

به منظور بهبود وضعیت معیشتی خانوارها تدارک برنامه های آموزشی و سواد آموزی از یک سو و حمایت از زنان روستایی جهت ایجاد گسترش مشاغل و فعالیت های سود آور کشاورزی از قبیل شامل پرواربندی دام ، پرورش قارچ ، زنبورداری ، کشت گیاهان گلخانه ای و ... با استفاده از سرمایه های اندک محلی موجود و کمک اعتباری دولت دارای اولویت اساسی است . از سوی دیگر به منظور کاهش دشواری ها و کارهای سخت و طاقت فرسای زنان روستایی در حال حاضر و افزایش بهره وری کشاورزی بهبود نوع تکنولوژی های دردسترس و مورد نیاز با همکاری و همراهی زنان روستایی پیشنهاد شده است .

**کلید واژه ها :** جنسیت ، زنان روستایی ، معیشت ، مشارکت

## 1. مقدمه :

در چند دهه اخیر مشارکت مردم بویژه گروههای ضعیف وحاشیه ای دربرنامه های توسعه مورد توجه جدی برنامه ریزان ودست اندر کاران توسعه قرار گرفته است. یکی ازاین گروهها، زنان بویژه زنان روستایی بوده است. نگاهی به نگرش های ورهیافت های موجود درزمینه زنان وتوسعه درجامعه امروزی جهان بیانگر این نکته است که امروزه به جای تاکید بر مفهوم زنان در توسعه عمدتاً برمفهوم «جنسیت وتوسعه» تاکید می شود .

مفهوم جنسیت وتوسعه با این استراتژی مطرح شده است که نشان دهد جایگاه نابرابر زنان در جهان امروز به دلیل خصوصیات بیولوژیکی آنان نبوده است. جنسیت نتیجه قواعد، سنتها و روابط اجتماعی در جوامع و فرهنگ ها است که همگی تعیین کننده ی رفتار زنانه و مردانه و سهم آنان از قدرت، دسترسی، کنترل وبرخورداری از امکانات مادی وغیر مادی توسعه درجامعه می باشد. ارزش و اهمیت مفهوم جنسیت در پارادایم جدید توسعه آنست که به بررسی فرآیندهای اجتماعی، اقتصادی به لحاظ نوع تاثیروتاثیر آنها بر زنان و مردان و همچنین تعامل میان آنان می پردازد. این مفهوم، برخلاف مفهوم زنان وتوسعه ، زنان را به صورت جدا از مردان در نظر نمی گیرد بلکه تفاوتهای (ناشی از عوامل مختلف ) بوجود آمده میان زنان و مردان را آشکارتر می گرداند.

گرچه تاکید دو رویکرد فوق نهایتاً بهبود شرایط زندگی زنان می باشد لکن تفاوت میان رویکرد زنان در توسعه و جنسیت و توسعه در نوع نگاه به مسائل زنان است . نقطه ضعف اساسی رویکرد زنان در توسعه آن بود که زنان را جدا از مردان در نظر می گرفت. اما رویکرد جنسیت وتوسعه هم زنان و هم مردان را در بر می گیرد، بنابراین، تحلیل جنسیتی به معنای نگرستن صرف به تفاوتها نیست بلکه به معنای تحلیل چگونگی منجر شدن تفاوتهای مذکور به نابرابری در فرصت ها، دسترسی به امکانات، قدرت و... میان زنان و مردان می باشد.

بکار گیری یک رویکرد مبتنی بر جنسیت و یا تحلیل جنسیتی به این معناست که سازمان ها تاثیر (بالقوه ی) سیاست ها، برنامه ها و فعالیت های خود را بر زنان، مردان و روابط میان آنان ارزیابی کنند. این به آن معنا نیست که سیاستها و برنامه های دارای تمرکز ویژه بر زنان و/ یا مردان توجیه پذیر نیستند بلکه به معنای تقویت استراتژی هایی است که در نهایت به اصلاح تفاوتهای جنسیتی موجود دریک جامعه بیانجامد. خواه این استراتژیها به صورت جداگانه و یا بصورت مشترک بر زنان و مردان تمرکز داشته باشند. هدف اصلی رویکرد جنسیت وتوسعه ایجاد فرصت های برابر برای زنان در مقایسه با مردان و مقابله با حاشیه نشینی با هدف ارتقاء سطح مشارکت کلیه افراد در تعیین سرنوشت و شکل دهی به جامعه ی سالم و برابر می باشد.

نگاهی به وضعیت زنان در جهان گویای تصویری ناخوشایندی از وضعیت برابری زنان و مردان در سطح جهان است. این امر نشانگر روند مستمر به حاشیه رانده شدن زنان در مقایسه با مردان می باشد. ایران نیز از این قاعده مستثنی نبوده و نیست. تحقیقات وبررسی های انجام گرفته درایران نیز حاکی است که

زنان بویژه زنان روستایی علاوه بر نقش زیادی که در فعالیت های اقتصادی دارند در تصمیم گیری های مربوطه در مقایسه با مردان از مشارکت پائینی برخوردارند. شناخت این موانع و پی بردن به قابلیت ها و پتانسیل های موجود در عرصه معیشت روستایی ما را برای این داشت تا این طرح پژوهشی شکل بگیرد. برای این اساس این طرح پژوهشی شکل گرفته و تلاش نموده است که با توجه به رویکرد جنسیت و توسعه مسائل، مشکلات و پتانسیل های موجود زنان روستایی را در منطقه مورد مطالعه شناسایی نماید و آنها را در مقایسه با مردان تحلیل و راه حل های ممکن را جهت ارتقاء سطح معیشتی خانوارهای ساکن در حوزة کرخه علیا (مرک و هنام) را (با تاکید بر نقش زنان روستایی) پیشنهاد نماید.

## 2. طرح مسئله :

در ادامه مطالعات مشترکی که بین سازمان ترویج، آموزش و تحقیقات کشاورزی با مرکز بین المللی تحقیقات کشاورزی در مناطق خشک (ایکاردا)<sup>1</sup> در ایران در زمینه بهبود معیشتی روستایی انجام شد. این مسئله نیز احساس شد که مطالعه ای در مورد زنان و میزان نقش و حضورشان در فعالیت های مختلف کشاورزی (کاشت، داشت، برداشت، فرآوری، بازاریابی و فروش) به تفکیک دامداری، زراعت و باغداری انجام گیرد. چرا که احساس گردید زنان روستایی نقش و حضور زیادی در فعالیت های کشاورزی منطقه داشته و به لحاظ این حضور پررنگ، خواه ناخواه بخش عمده ای از درآمد و معیشت خانوار نیز توسط زنان تامین میشود. لذا بهبود معیشتی خانوارها در مناطق روستایی بدون توجه به بعد جنسیتی ناقص خواهد بود. بنابراین برای ارائه گزینه های مناسب بهبود معیشتی منطقه، مطالعه نقش های جنسیتی لازم و ضروری به نظر رسید. لذا این طرح تحقیقاتی در سال 1376 به مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی پیشنهاد و مطالعات آن در ایران با همکاری و مشاوره خارجی طرح (دکتر ملیکا مارتینی) در دو منطقه هنام و مرک واقع در استانهای کرمانشاه و لرستان آغاز گردید. آنچه در پی می آید حاصل این بررسی می باشد.

## 3. اهداف طرح :

### 3-1- هدف کلی طرح :

تبیین نقش های جنسیتی موجود در فعالیت های اقتصادی، اجتماعی روستاها به منظور ارائه راهکارهای مناسب جهت بهبود معیشت خانوارهای ساکن در روستاهای دو منطقه مرک و هنام در حوضه رودخانه کرخه علیا

### 3-2- اهداف تفصیلی :

<sup>1</sup> بطور خلاصه اگر بخواهیم طرح فوق در ایران را توضیح دهیم این طرح تحت عنوان اختصاری **L.R (Livelihood Resilience)** بوده است که در حوزه جغرافیایی کرخه علیا در ایران مطالعه شده است. هدف اصلی آن بهبود معیشت های روستایی در عین حفظ بنیه منابع طبیعی است. یکی از محور های اصلی این طرح توسعه دادن الگو و گزینه هایی بوده است که بتواند بر معیشت جوامع روستایی تاثیر مثبت بگذارد. بدیهی است که الگو و گزینه هایی مدنظر بوده که بتوانند از یکسو نیاز و اولویت های جامعه محلی را تامین کرده و از سوی دیگر اهداف و تغییراتی در مقیاس وسیع تر و سطوح بالاتر را نیز دنبال کند

1. تبیین نقش‌های جنسیتی موجود در فعالیت های مربوط به کشاورزی ( در محیط در حال تغییر )
2. میزان دسترسی و کنترل زنان بر منابع تولید (منابع خانوار و مشترک )
3. تعیین سهم زنان در تصمیم گیری خانوار در مقایسه با مردان
4. میزان دسترسی و کنترل زنان بر منابع تولید در مقایسه با مردان
5. برداشت و تصوراتی که زنان روستایی در مورد بهبود شرایط معیشتی خود و خانواده شان دارند
6. ارائه گزینه های مناسب جهت بهبود وضع معیشتی خانوارهای روستایی با تاکید بر نقش زنان

#### 4. سؤالات تحقیق:

- مهمترین سؤالات تحقیق شامل موارد زیر بوده است .:
1. تا چه اندازه ای زنان در فعالیت های مربوط به کشاورزی (زراعت ، باغداری ، دامداری ) نقش دارند ؟
  2. با توجه به نقشی که ایفا می کنند میزان حضورشان در تصمیم گیری های مربوطه چگونه است ؟
  3. میزان دسترسی و کنترل زنان بر منابع تولید چقدر است ؟
  4. مشکلاتی را که زنان روستایی در تولید محصولات کشاورزی با آن مواجه اند چیست و از چه اهمیتی (در ارتباط با افزایش بهره وری کشاورزی) برخوردار است ؟
  5. عوامل و گزینه هایی که میتوانند شرایط زنان رادر مناطق روستایی بهبود بخشند کدامها هستند؟

#### 5. روش تحقیق:

روش تحقیق مورد استفاده در این بررسی عمدتاً روش «پیمایشی ( survey ) و تکنیک جمع آوری داده ها نیز با استفاده از پرسشنامه همراه با مصاحبه بوده است . علاوه برآن به منظور شناخت عمیق از مسائل و مشکلات روستاهای منطقه و دست یابی به راه حل‌های عملی با مشارکت زنان روستایی از روش P.R.A نیز استفاده شده است .

#### 6. جامعه آماری مورد مطالعه :

جامعه آماری مورد مطالعه شامل چهار روستا در دو منطقه واقع در حوزه کرخه علیا بنامهای هنام در استان لرستان و مرک در استان کرمانشاه بوده است . منطقه مرک واقع در دهستان سرفیروز آباد شهرستان کرمانشاه و منطقه هنام واقع در دهستان هنام شهرستان سلسله (الشتر ) می باشد . روستاهای مورد مطالعه در منطقه هنام شامل چهار روستای چهار تخته ، پرسک علیا ، بردیل و سیاه پوش و روستاهای مورد مطالعه در منطقه مرک نیز شامل چهار روستای کله جوب ، مهدی آباد سفلی ، باغ کرم بیک و سخر علیا می باشد انتخاب این روستاها با توجه به

پارامترهای اقتصادی، اجتماعی و همچنین طبیعی حاکم بر منطقه صورت گرفته است.

### 7. روش نمونه گیری:

روش نمونه گیری مورد استفاده در این بررسی روش «طبقه ای» (stratification) متناسب بوده است. عبارت دیگر با توجه به تعداد روستای مورد نظر در حوزه های مورد بررسی از هر روستا با توجه به تعداد خانوار ساکن تعداد متناسب انتخاب شده است. شیوه انتخاب نمونه ها بصورت تصادفی ساده بوده است بدین ترتیب که ابتدا نام خانوارهای روستا با کمک شورای اسلامی روستا مشخص و سپس با ریختن آن در داخل کیسه و بهم زدن آن از طریق قرعه کشی تعداد نمونه تعیین شده انتخاب گردیده و از زن خانوار مصاحبه بعمل آمده است. واحد تحلیل (unit of analysis) در این بررسی نیز زن خانوار ساکن در روستا بوده است.

### 8. مبانی نظری تحقیق :

#### الف : بررسی و نقد منابع موجود :

در ارتباط با زنان روستایی و نقش آنها در فعالیت های اقتصادی - اجتماعی روستاها مطالعات زیادی در ایران انجام شده است. مطالعات و تحقیقات پیرامون زنان روستایی در ایران را شاید بتوان از نظر موضوعی به سه دسته عمده تقسیم کرد. در بخشی از این تحقیقات انجام گرفته صرفاً به توصیف وضعیت اجتماعی، اقتصادی زنان روستایی پرداخته اند، در بخش دیگر ضمن توصیف نقش و مشارکت زنان روستایی در فعالیت های مختلف روستا سعی شده است عوامل و موانع موجود بر سر راه مشارکت زنان مورد تبیین قرار گیرد. در همه این مطالعات موردی وجود نداشته است که مستقیماً و مشخصاً به موضوع جنسیت و معیشت پرداخته باشد.

با توجه به نتایج حاصل از تحقیقات فوق میتوان گفت که بخش کشاورزی در ایران سهم زیادی در اشتغال و تامین نیاز غذایی کشور دارد (تامین کننده حدود یک سوم اشتغال و بیش از چهارپنجم نیازهای غذایی کشور) و عمده فعالیت های این بخش نیز در روستاها آنها بهره برداران خرد دهقانی (بیش از 70 درصد) صورت میگیرد که زنان نیز بخش عمده ای از آنها تشکیل میدهند.

موانع متعددی، در مسیر مشارکت و نقش آفرینی زنان وجود دارد که می توان آنها را به عوامل فردی (تحصیلات پایین، کم بودن اطلاعات، دانش و آگاهی های علمی، باور های سنتی و گاه نادرست)، خانوادگی (حاکمیت فرهنگ مرد سالاری، حجم زیاد فعالیت های داخل منزل، وجه نظر مرد خانوار در مورد کار خارج از منزل زن، توزیع نابرابر قدرت بین زن و مرد)، اجتماعی (سنت های اجتماعی محدود کننده، نبود شکل های مناسب مشارکتی، دسترسی محدود زنان به تسهیلات و اعتبارات دولتی، حاکمیت برنامه ریزی با رویکرد مخاطبان مرد، کمی متخصصین زن، کمی نهاد های غیر دولتی فعال در زمینه زنان، وجود قوانین و مقررات گاه تبعیض آمیز و...) تقسیم بندی نمود. تلاش در جهت رفع موانع فوق زمینه را جهت افزایش مشارکت زنان فراهم خواهد ساخت.

#### ب : چارچوب تئوریک تحقیق :

##### مفهوم جنسیت :

جامعه شناسان تمایز مهمی میان «جنس و جنسیت» قایل اند از دیدگاه آنها اصطلاح جنس "بر تفاوت های بیولوژیک میان زن و مرد دلالت دارند، حال آن که "جنسیت" ناظر بر ویژگی های شخصی

وروانی است که جامعه آن راتعیین می کند و با مرد یا زن بودن، و به اصطلاح مردانگی و زنانگی همراه است. (کرت استفانی، 1379) عبارت دیگر جنسیت به نقش هایی اشاره دارد که توسط اجتماع برای زنان و مردان تعیین می شود. جنسیت از یک سرفتار مکتوب اجتماعی و فرهنگی و از سوی دیگر انتظاری است که جامعه از کنش اجتماعی دارد (لیس توریس، 1375) از آنجاکه همه مادر غالب جنس خاصی به دنیای آیم در مجموعه ای از رفتارها و ویژگی هایی اجتماعی وارد می شویم که جنسیت ما را می سازد و چون این نوع اجتماعی شدن همه تجارب زندگی ما را در بر می گیرد، دارای آثار طولانی مدتی است که از نسلی به نسل دیگر منتقل می شود. بنابراین، به طور خلاصه می توان گفت: جنس به تفاوت های ذاتی و زیست شناختی و جنسیت به تفاوت های اجتماعی بین زنان و مردان که آموخته می شوند و در طی زمان تغییر می کنند و در عین حال بین فرهنگ ها و جوامع مختلف متنوع اند دلالت دارد.

### نقش های جنسیتی :

نقش جنسیت به فعالیت ها و مسئولیتهایی که عموماً جامعه و فرهنگ به زنان و مردان محول می کنند، اطلاق می شود. در حقیقت نقش جنسیت، از تقسیم کار اجتماعی مبتنی بر جنسیت ناشی می شود. در این تقسیم بندی جنسیتی معمولاً کارهای تولیدی و بیرون از خانه به عهده مردان نهاده می شود و کارهای درون خانه و نیز کودک پروری به وسیله زنان صورت می گیرد. حاصل تقسیم کار بر مبنای جنسیت این بوده است که زنان از مشارکت در امور اقتصادی و سیاسی و اجتماعی و فرهنگی باز داشته شوند و از دستیابی به منابع زندگی محروم گردند. محرومیت زنان در مقایسه با مردان، محصول نقش زنانه آنهاست و علاوه بر این، عوامل تعیین کننده دیگری چون وضعیت طبقاتی و قومی و نژادی و ملیتی و سن و غیره نیز آن را تشدید می کنند. وضع پائین زنان در جامعه، اغلب به این معنی است که زنان هیچ گونه کنترلی بر منابع اقتصادی موجود، ندارند. (لیس توریس، 1375: 68) جنسیت مشخص می کند که زنان و مردان چه نقش های متفاوتی را در جامعه بازی می کنند و مناسبات قدرت آنان چگونه است. فهم صحیح این مناسبات نیازمند بررسی های عمیق و دقیق در مورد نقش های جنسیتی، مسئولیتهای و نحوه دستیابی و کنترل منابع و همچنین توانایی تصمیم گیری در استفاده از منابع است.

### تقسیم کار جنسیتی:

در تمام جوامع نوعی تقسیم کار بر حسب جنس وجود دارد یعنی کارهایی خاص زنان است و کارهایی خاص مردان. اما ماهیت کارهایی که به وسیله مرد یا زن انجام می شود. در جوامع مختلف متفاوت است و در طول تاریخ نیز تغییراتی در آن پدید آمده است. جامعه شناسان بر این عقیده اند که تقسیم کار جنسیتی ساخته و پرداخته اجتماع است و ارتباط چندانی به خصوصیات بیولوژیکی ندارد. مثلاً در تقسیم کار کشاورزی در بعضی نقاط دنیا مردان نقش اصلی را ایفا می کنند، ولی در برخی دیگر این نقش بیشتر به عهده زنان است. جنس افراد با گذشت زمان تغییر نمی کند، در حالی که نقش های جنسیتی و همچنین تقسیم کار جنسیتی با گذشت زمان تحت تاثیر تغییرات اجتماعی قرار گرفته و تغییر می کنند. شرایط متغییر زیستی، توسعه دانش و تکنولوژی باعث تغییر شرایط زندگی افراد شده و نقش های جنسیتی را دستخوش تغییر می سازند. این نقش هایی از ابعاد زیربنایی و مهم در ساختار اجتماعی انسان بوده

ونمی توان آن را جدا از متغیرهایی مثل سن ، نژاد ، قومیت ، مذهب و وضعیت اقتصادی مورد مطالعه قرارداد. (حبیبی ، 1377 )

#### جنسیت و توسعه :

پس از گذشت مدتی از اجرای پروژه های زنان در توسعه ، این نتیجه حاصل شد که " هدف" قراردادن زنان به تنهایی ، بدون توجه به موفقیت مردان و وادار کردن آنان به مشارکت و همراهی زنان ، نمی تواند موفق باشد. بنابراین ، تاکید از " زنان در توسعه" برداشته شد و به "جنسیت و توسعه" انتقال یافت. بدین ترتیب همه ساختارهای اجتماعی ، سیاسی ، اقتصادی و سیاست های توسعه ای از دیدگاههای تفاوتی جنسیتی مجددا بررسی شده و مشخص می شود که دستیابی به برابری جنسیتی به تغییرات اساسی نیاز دارد. این تغییرات باید از تغییر ذهنی آنها آغاز شود و سپس به بازسازی سیاستهای روابط جنسیتی ، ساختارها و نهادها را دربرگیرد. در این صورت است که دستیابی برابری به منافع توسعه ، میسر خواهد شد . ( خانجی ، 1385 )

متخصصان بر این اعتقادند که مفهوم جنسیت و توسعه تنها به مسائل مربوط به زنان بر نمی گردد ، بلکه به ساخت اجتماعی و سپردن نقش های اجتماعی و مسئولیتها به زنان و مردان و انتظارات مشخصی که جامعه از ایشان دارد ، نیز ارتباط می یابد. این مفهوم ، همچنین ماهیت مشارکت زنان را در محیط فعالیت ، اعم از درون و بیرون خانه به تحلیل می کشد و علاوه بر این به طبقه بندی کار زنان ، که در آن کار مربوط به داخل خانه نادیده گرفته شده است ، دست می یازد . (لیس تورس ، 1375 : 2 )

جنسیت و توسعه فی نفسه با زنان کاری ندارد ، بلکه با ساخت اجتماعی جنسیت و تلقی جامعه از نقش و مسوولیت و انتظاراتی که جامعه از زنان و مردان دارد ، مواجه است. همچنین جنسیت و توسعه به تحلیل ماهیت خدماتی که زنان در درون و بیرون خانه انجام می دهند و بندرت مورد توجه و ارزیابی قرار می گیرد ، عنایت می ورزد . (لیس تورس ، 1375 : 117 )

مطالعه روابط جنسیت در سال های اخیر به صورت یکی از مهمترین حوزه های مورد مطالعه جامعه شناسی در آمده است ، دلایل عمده این اهمیت وجود نگرش های نادرستی است که در بسیاری از جوامع موجب گردیده تا تواناییهای معینی را به افراد یک جنس نسبت داده یا انکار کنند و به این وسیله نابرابری های جنسی را توجیه نمایند . (گیدنز ، 1377 )

#### نظریه های جامعه شناسی جنسیت :

جامعه شناسان به موازات روی آوردن به بررسی مسائل جنسیت ، بخشی از نظریه های موجود جامعه شناسی را برای پایه گذاری رشته جامعه شناسی جنسیت به کار برده اند. هرچند که اصطلاح جنسیت غالبا در جامعه شناسی با حسن نیت در مورد زنان به کار برده می شود ، اما جامعه شناسی جنسیت ، به گونه ای دقیقتر ، به بررسی نقشها ، روابط و هویت های اجتماعی مردان و زنان اطلاق می شود . جامعه شناسی جنسیت ، عامل جنسیت را تنها به عنوان یکی از متغیرهای موجود در روابط و ساختارهای اجتماعی در نظر می گیرد . (ریترز ، 1377 )

در بررسی دیدگاه های جامعه شناسان در مورد جنسیت و توسعه میتوان سه مکتب عمده جامعه شناسی را از هم متمایز کرد مکتب اول کارکرد گرایان هستند که سعی در توجیه تفاوت های جنسیتی موجود بین زن و مرد دارند و آنرا برای نظام اجتماعی مثبت

ارزیابی می کنند از جمله این افراد م توان به دورکیم وپارسنز اشاره کرد. دیدگاه دوم مکاتب مبتنی بر تضاد است که صاحب نظران آن تفاوت های جنسیتی موجود بین زن و مرد را ناشی از نابرابری های اجتماعی و طبقاتی موجود در جامعه طی دورانهای مختلف تاریخی میدانند. و شرط رهایی زنان از این نابرابری ها را محو طبقات اجتماعی میدانند. مکتب سوم را می توان نظریات بینابین دانست که سعی در تلفیق دو دیدگاه فوق دارند. با توجه به نظریات فوق میتوان گفت که منشاء شکل پذیری نقش های جنسیتی در جامعه که منجر به بروز تقسیم کار اجتماعی بین زن و مرد می گردد عمدتاً اجتماعی، فرهنگی است تا بیولوژیکی بنابراین چنانچه در جامعه بین این نقشها و نوع تقسیم کار بوجود آمده تفاوتها و درعین حال تبعیض هایی وجود دارد می باید دلایل آنرا در مناسبات اجتماعی، فرهنگی جامعه جستجو کرد. هریک از صاحب نظران مورد اشاره سعی کرده اند با توجه به تخصص و دیدگاههای خود این مسئله را مورد بررسی و کنکاش قرار دهند. سعی کرده ایم با توجه به نظریات ارائه شده و همچنین تحقیقات و مطالعات انجام گرفته در زمینه جنسیت و توسعه به دسته بندی از عوامل برسیم که با بررسی و تحلیل آنها بتوانیم راهکارهای موثری را جهت بهبود وضعیت زنان روستایی پیشنهاد نمائیم. بنابراین به منظور تحلیل عوامل اجتماعی و اقتصادی موثر در بهبود وضعیت زنان روستایی و توانمند سازی آنها جهت مشارکت فعال در برنامه های توسعه روستایی مواد ذیل قابل ذکر است.

متغیر های فردی (سن، تحصیلات، شغل، وضعیت تاهل، آموزش، مهارت، نوع نیازها و مشکلات، نوع تکنولوژی مورد استفاده،) متغیرهای اجتماعی (پایگاه اجتماعی، مشارکت اجتماعی، نهاد های اجتماعی، مناسبات قدرت، تقسیم کار اجتماعی) متغیر های اقتصادی (مالکیت، وضع اقتصادی خانوار، میزان دسترسی به منابع تولید، نوع معیشت،)

### توصیف و تحلیل اطلاعات :

#### 1. ویژگیهای عمومی افراد مورد مطالعه :

با توجه به نتایج بدست آمده از بررسی خصوصیات و ویژگیهای افراد و خانوارهای مورد مطالعه اکثریت زنان ساکن در روستاهای منطقه شغل خود را خانه داری ذکر کرده اند. توجه به اینکه خانه داری در ایران بعنوان شغل محسوب نمی شود این مسئله به این معنی نیست که غیر از خانه داری فعالیت دیگری انجام ندهند. اکثریت زنان مورد مطالعه درعین حال که کار خانه داری انجام میدهند در فعالیتهای کشاورزی و دامداری نیز همراه سایر اعضای خانوار مشارکت دارند. متأسفانه اکثریت قریب به اتفاق زنان روستا بیسواد و یا دارای سواد خواندن و نوشتن بوده اند (69 درصد) با بالا رفتن سن سطح تحصیلات نیز کاهش یافته است. به طوری که افراد دارای سطح تحصیلات دانشگاهی که تعداد آنها نیز اندکند بیشتر دختران جوان اند که طی سالهای اخیر با گسترش مراکز دانشگاهی در شهرستانها توانسته اند به دانشگاهها راه یابند. به لحاظ اقتصادی خانوارهای ساکن در روستاها وضعیت مالی خویش را متوسط ارزیابی کرده اند. اکثریت خانوارها دارای دام و زمین هستند که عمده مالکیت زمین و دام متعلق به سرپرست خانوار (مردان) است.



## 2. وضعیت کشاورزی خانوارهای مورد مطالعه :

با توجه به نتایج بدست آمده از بررسی وضعیت کشاورزی خانوارهای مورد مطالعه میتوان گفت که اکثریت خانوارهای ساکن در دو منطقه مورد مطالعه دارای فعالیت کشاورزی هستند. به لحاظ رواج کشاورزی بعنوان عمده ترین منبع معیشت خانوارهای منطقه، زنان نیز عمدتاً در فعالیت های کشاورزی مشارکت دارند. «بر اساس نتایج بدست آمده از زنان مورد مطالعه متوسط مقدار زمین دیم متعلق به هر خانوار در روستای منطقه مرک معادل 4 هکتار و آبی 1/2 هکتار و در منطقه هنام 2/2 و 3/4 هکتار بوده است» (نوری، 1377) که عمده مالکیت زمین متعلق به سرپرست خانوار (مردان) است. وجه غالب وضعیت مالکیت اراضی خانوارها نیز مشاع و مالکیت شخصی است. عمده ترین منبع آبیاری اراضی کشاورزی نیز چاه و چشمه می باشد. کاشت گندم و جو دارای بیشترین میزان سطح زیر کشت خانوارها است که دلیل عمده آن نیز حمایت دولت از گندم به لحاظ محصول استراتژیک و جو هم به خاطر خود مصرفی تغذیه دامهای هر خانوار می باشد.

متوسط تعداد قطعات هر کشاورز معادل 5/1 قطعه بوده است که میزان بالایی را نشان میدهد و متوسط اندازه هر قطعه زمین نیز کمتر از یک هکتار (9930/5 متر) بوده است. بنابراین می توان گفت که کشاورزان منطقه عمدتاً خرده پا و اکثریت دارای مقدار زمین کمتر از سه هکتارند. زمینها در قطعات کوچک و پراکنده اند (که این مسئله مانع عمده ای برسر راه مکانیزاسیون کشاورزی است). «بر اساس نتایج بدست آمده از بررسی های انجام شده در منطقه، سهم فعالیت های کشاورزی از درآمد کل روستاهای مورد مطالعه در منطقه مرک 73/3 درصد و در منطقه هنام 41/3 درصد عنوان شده است که حاکی از وجه غالب فعالیت کشاورزی منطقه مرک در مقایسه با هنام می باشد» (نوری، 1377: 19). بیشتر زمینهای منطقه بصورت دیم کشت می شود.

## 3. وضعیت دامداری خانوارهای مورد بررسی :

معمولاً در روستاهای منطقه دامداری بعنوان یکی از فعالیت های مکمل کشاورزی رواج دارد مردم روستاها درکنار فعالیت های کشاورزی تعدادی دام نیز جهت استفاده خانواروگاهی فروش محصولات مازاد بر مصرف نگهداری می نمایند. روستاهای واقع در دشت که کشاورزی رونق دارد دامداری بعنوان فعالیت جنبی و مکمل مطرح است ولی در روستاهای پایه کوه بعلت کمبود آب و مرغوبیت کم زمینها جهت کشاورزی، شیوه غالب معیشت خانوارها دامداری است. در روستاهایی که کشاورزی رونق زیادی دارد و دسترسی به مراتع کمتر است بیشتر گرایش خانوارها به نگهداری دام سنگین (گاو و گوساله) و در روستاهای پایه کوه بعلت دسترسی آسان به مراتع جهت چرا بیشتر دام سبک دیده میشود.

سهم فعالیت دامداری از کل درآمد خانوارهای ساکن در حوزه معادل 26 درصد است. این میزان در منطقه مرک 18/8 درصد و در منطقه هنام 33/2 درصد می باشد. بنابراین دامداری دومین عامل در آمدزای روستاهای منطقه است. میانگین تعداد گاو و گوساله هر خانوار 3/3 راس، گوسفند 18/8 راس، بز 8/2 راس و طیور 10/2

قطعه گزارش شده است. منطقه هنام در مقایسه با مرک دارای بیشترین میزان فعالیت دامداری است. زنان روستایی سهم قابل توجهی در فرآوری محصولات لبنی دارند. این فعالیت عمدتاً توسط زنان روستایی در روستاها آنها به شیوه سنتی صورت می گیرد. نوع فرآوری محصولات لبنی شامل پنیر، ماست، کره، روغن حیوانی و کشک است تولید ماست و دوغ بیشترین میزان تولید را برای خانوارهای مورد بررسی دارد. که عمده این محصولات نیز در خانواده مصرف می شود. در آمد عمده خانوارها از تولیدات دامی عمدتاً فروش شیر بصورت مستقیم و روزانه است.

#### 4. تبیین نقشهای جنسیتی موجود در روستاهای مورد مطالعه :

در این بخش از گزارش، سعی می کنیم نقش و میزان مشارکت زنان روستایی را در بخشهای مختلف کشاورزی، دامداری، صنایع دستی و امور مربوط به منزل در مقایسه با مردان به تفکیک نوع فعالیت ها توضیح دهیم.

##### 1- نقش های جنسیتی مربوط به زراعت:

نتایج بدست آمده از بررسی وضعیت مشارکت زنان در فعالیت های مختلف زراعی نشان می دهد که سهم زنان روستایی در کل فعالیت های زراعی در دو منطقه معادل 28 درصد بوده است. تحلیل میزان نقش زنان در مراحل مختلف تولید و بازاریابی فعالیت ها نشان میدهد که این میزان در مرحله کاشت 10 درصد، داشت یا مدیریت محصول 31/2 درصد، برداشت 34/8 درصد، در مرحله پس از برداشت 33/7 درصد و بازاریابی و فروش 2/5 درصد بوده است. بنابراین بیشترین میزان مشارکت زنان در فعالیت های زراعی در مرحله برداشت محصول و کمترین میزان حضور و مشارکت در بازاریابی و فروش می باشد.

بررسی وضعیت مشارکت زنان روستایی به تفکیک مراحل فعالیت های مربوط به زراعت نشان میدهد که در مرحله کاشت بیشترین میزان حضور و مشارکت زنان در بذر افشانی (13/5) و کمترین میزان آن مربوط به شخم زدن (6/4) می باشد. در مرحله داشت بیشترین حضور و مشارکت زنان در وجین محصول (69/4) و نگهداری از مزارع (35/5) و کمترین میزان مشارکت مربوط به آبیاری (35/5) است. در مرحله برداشت نکته حائز اهمیت آن است که بیشترین مشارکت زنان در برداشت محصول (60/5) بادست و بعبارت دیگر درو محصول می باشد.

در رابطه با فعالیت های بعد از برداشت که زنان روستایی انجام می دهند، سرزدن چغندر (53/9) و کیسه کردن محصولات (51 درصد) بیشترین فعالیت آنان را به خود اختصاص داده است. لازم به ذکر است که حمل محصول با کامیون (8/7) در این مرحله کمترین میزان مشارکت زنان را به خود اختصاص داده است و این کار عمدتاً مردانه است. با توجه به نتایج حاصل از این مطالعه کل مشارکت زنان در زمینه زراعت در مقایسه با مردان 28 درصد می باشد. بعبارت دیگر زنان فقط 28 درصد کل فعالیت های مربوط به زراعت را عهده دار هستند. 72 درصد فعالیت ها توسط مردان انجام میشود. و این بیانگر حضور کمتر زنان در فعالیت های مربوط به زراعت است.

جدول شماره 1: درصد مشارکت زنان در فعالیت های مربوط به زراعت در مقایسه با مردان

فعالیت ها		درصد مشارکت زنان	درصد مشارکت مردان	جمع
کاشت	شخم زدن	6/46	93/54	100
	تسطیح	10/5	89/95	100
	بذر افشانی	13/56	86/44	100
جمع مشارکت در کاشت		10/0	90/0	100
مدیریت محصول	کود دهی	19/70	80/30	100
	وجین	69/41	30/59	100
	سموم علف کش	16/86	83/14	100
	آبیاری	14/55	85/45	100
	نگهداری از مزارع	35/50	64/50	100
جمع مشارکت در مدیریت محصول		31/2	68/8	100/0
برداشت	برداشت با کمباین	3/71	96/29	100
	برداشت با دست	60/59	39/41	100
	جمع آوری محصول برداشت شده	40/23	59/77	100
جمع مشارکت در برداشت		34/8	65/2	100/0
فعالیت های بعد از برداشت	حمل محصول برداشت شده برای خرمن کوبی	36/17	63/83	100
	خرمن کوبی	32/90	67/10	100
	حمل محصول با دست	39/38	60/62	100
	سرزدن چغندر	53/97	46/03	100
	کیسه کردن	51/08	48/92	100
	انبار	30/12	69/88	100
	بار کامیون کردن	17/15	82/85	100
	حمل با کامیون	8/79	91/21	100
جمع فعالیت های بعد از برداشت		33/7	66/3	100/0
بازاریابی و فروش		2/50	97/50	100
کل مشارکت در زراعت		28	72	100

## 2- نقش های جنسیتی مربوط به دامداری :

بررسی وضعیت مشارکت زنان روستایی در فعالیت های دامداری نشان میدهد که میزان مشارکت زنان در مجموع در مقایسه با مردان 68/2 درصد بوده است به عبارت دیگر 68/2 درصد فعالیت های مربوط به دامداری توسط زنان روستایی انجام میشود. که این امر حاکی از نقش و مشارکت بالای زنان روستایی در فعالیت های دامداری است. درصد مشارکت زنان در فعالیت های دامداری به تفکیک مراحل مختلف فعالیت ها نشان میدهد که بیشترین میزان نقش زنان در فعالیت های دامداری به ترتیب اهمیت در زمینه شیردوشی (98 درصد)، فرآوری مواد لبنی (97/2 درصد)، نظافت دام (84/2 درصد)، تغذیه دام (74/9 درصد) و آماده سازی غذای دام (70/6 درصد) بوده است.

در ارتباط با فعالیت های مختلف مربوط به انواع دامها میزان مشارکت زنان در زمینه دام های سنگین (گاو و گوساله) در مقایسه با دام سبک (گوسفند و بز) بیشتر بوده است. به عبارت دیگر 71/9 درصد فعالیت های مربوط به نگهداری

دامهاي سنگين توسط زنان انجام ميشود. اين درحالي است که در ارتباط با دام سبک صرفه 55/4 درصد فعاليت ها توسط زنان روستايي انجام ميشود. درزمينه پرورش طيور نیز نتايج بدست آمده حاكي است که عمده فعاليت هاي مربوط به نگهداري و پرورش طيور توسط خانم ها در روستا انجام ميشود. (5/96 درصد)

جدول شماره 2: نقش هاي جنسيتي مربوط به فعاليت هاي دامداري

فعاليت ها		درصد مشارکت زنان	درصد مشارکت مردان	کل مشارکت
گاو	جمع آوري علوفه	68/9	31/1	100
	آماده سازي غذاي دام	78/8	21/2	100
	تغذيه دام	85/2	14/8	100
	آبدهي	83/4	16/6	100
	شيردوشي	96/9	3/1	100
	نظافت دام	88	12	100
	حمل کردن به مزرعه	58/7	41/3	100
	چرانندن	58/1	41/9	100
	تيمارحيوانات بيمار	42/3	57/7	100
	زايمان دام	70/5	29/5	100
	فرآوري موادلبني	95/8	4/2	100
	فروش	35/9	64/1	100
کل فعاليت هاي مربوط به گاوداري		71/9	28/1	100
گوسفندوبز	جمع آوري علوفه	49/3	50/7	100
	آماده سازي غذاي دام	62/4	37/6	100
	تغذيه دام	64/6	35/4	100
	آبدهي	70/5	29/5	100
	شيردوشي	99/1	0/9	100
	نظافت دام	80/4	19/6	100
	حمل کردن به مزرعه	22/8	77/2	100
	چرانندن	18	82	100
	تيمارحيوانات بيمار	37	63	100
	زايمان دام	52/1	47/9	100
	فرآوري موادلبني	98/7	1/3	100
	فروش	10/2	89/8	100
کل فعاليت هاي مربوط به گوسفند و بز		55/4	44/6	100
طيور (مرغ، جوجه وبوقلمون)	جمع آوري علوفه	55/9	44/1	100
	جمع آوري تخم مرغ	97/7	2/3	100
	مراقبت از جوجه ها	98/1	1/9	100
	فروش	93/6	6/4	100
کل فعاليت هاي مربوط به طيور		96/5	3/5	100
کل مشارکت زنان در فعاليت هاي مربوط به دامداري		68/2	31/8	100

3- نقش هاي جنسيتي مربوط به داخل منزل:

زنان روستایی علاوه بر فعالیتهای کشاورزی در خارج از منزل ، فعالیتهایی را نیز در ارتباط با مدیریت امور داخلی منزل انجام می دهند. فعالیتهای مورد نظر در جدول شماره فهرست شده است. برخی از فعالیتهای خانوارها به لحاظ سبک زندگی و امکانات آنها در منزل، انجام نمی گیرد. درصد این موارد در ستون آخر نشان داده شده است. به طور مثال، هفتاد درصد از پاسخگویان اظهار داشته اند که فعالیت حمل آب درحال حاضر بعلت لوله کشی آب درروستا انجام نمی شود. از بین فعالیتهایی که به عنوان فعالیتهای منزل برشمرده شده است، بیشتر موارد توسط زنان انجام می شود.

در بین فعالیتهای مختلف سهم زنان در شستن لباس (99/2 درصد)، نظافت خانه (98/5 درصد)، پخت و پز (98/1 درصد)، پخت نان (82/8 درصد) نگهداری از بچه ها (75/1 درصد) بیشتر از سایر فعالیتهاست. فعالیت هایی مثل تعمیر و نگهداری خانه (64 درصد)، انجام تعهدات اجتماعی مثل ازدواج ، دفن و کفن و... (60/9 درصد) و ساخت خانه (60/5 درصد) هر دو با همکاری وهمفکری هم انجام میدهند . بنابراین میتوان گفت که زنان روستایی علاوه برانجام فعالیت های کشاورزی ودامداری بطور عمده ای فعالیت های مربوط به داخل منزل (شستن لباس ،نظافت خانه ، پخت و پز ،پخت نان ، نگهداری از بچه ها) نیز بردوش آنهاست

جدول شماره 5-1- میزان مشارکت زنان درفعالیت های مربوط به داخل منزل در مقایسه با مردان

نوع فعالیت ها	توسط زنان	توسط مردان	هردوباهم	سایر	این فعالیت وجودندارد
جمع آوری چوب برای سوخت	12/3	11/9	16/1	2/3	57/5
حمل آب	17/2	1/9	10/3	0/4	70/1
ساخت خانه	5/7	21/1	60/5	0	12/6
تعمیر و نگهداری	11/1	17/6	64	0/4	6/9
پخت و پز	98/1	1/1	0/8	0	0
پختن نان	82/8	2/7	1/5	6/5	6/5
خرید لوازم برای خانه	18/8	13/8	64	0/4	3/1
نگهداری از بچه ها	75/1	0/8	19/5	0	4/6
نظافت خانه	98/5	0	0/8	0	0/8
شستن لباس	99/2	0	0	0/4	0/4
نگهداری از بیماران و سالخوردگان	59	1/1	5	0	34/9
تربیت کودکان و رسیدگی به تحصیل آن ها	46/7	4/6	40/6	0	8/1
انجام تعهدات اجتماعی (ازدواج، کفن و دفن)	8/8	19/5	60/9	0	10/7
قابلیگی	6/5	0	0/4	0	93/1

#### 4- نقش های جنسیتی مربوط به صنایع دستی :

نوع صنایع دستی که در حال حاضر در منطقه توسط زنان روستایی انجام می شود، شامل قالیبافی، گلیم بافی، رسن بافی، چیت بافی، دوک ریزی، ماشه، چادر، بافندگی و موج بافی می باشد که اغلب به صورت دستی توسط زنان روستایی انجام می شود. این

فعالیت ها عمدتا توسط زنان انجام می گیرد. تنها در مورد «دوک ریسی» است که 3/7 درصد فعالیتها توسط مردان انجام می شود.

### میزان دسترسي وكنترل زنان بر منابع توليد (منابع خانوارو مشترك) :

#### 1- زمین تحت مالکیت زنان :

بررسی های بعمل آمده درزمینه میزان زمین تحت مالکیت زنان ساکن درروستاهای منطقه حاکی است که از 261 زن مورد بررسی فقط 9 زن اظهار داشته اند که زمین به اسم آنها ثبت شده و دارای سند مالکیت زمین به اسم خود هستند. بعبارت دیگر در پاسخ به این سوال که آیا زمینی دارید که به اسم شما ثبت شده باشد. 3/4 درصد زنان پاسخ مثبت داده اند. بنابراین میتوان گفت که در روستاهای منطقه اکثریت زنان فاقد مالکیت زمین هستند. زمینها عمدتا چنانچه دارای سند مالکیت باشند این سند به اسم رئیس خانوار آنها می باشد. نتایج بدست آمده به تفکیک مناطق مورد بررسی نیز نشان میدهد که بین دو منطقه تفاوت معنی داری در این زمینه وجود ندارد. در هر دو منطقه اکثریت زنان فاقد مالکیت هستند. نکته قابل توجه این است که 9 نفری که زمین به اسم آنها ثبت شده است زنانی هستند که در حال حاضر سرپرست خانوار هستند. بنابراین علت مالکیت آنها بر زمین فقدان همسر و مرد خانوار بوده است.

#### 2- دام تحت مالکیت زنان :

در ارتباط با دام نیز نتایج بدست آمده حاکی است که در پاسخ به این سوال که آیا دامی هست که به شما تعلق داشته باشد 23/4 درصد زنان مورد مطالعه اظهار داشته اند که بلی و 76/6 درصد به آن پاسخ منفی داده اند. این زنان نیز همگی سرپرست خانوار بوده اند. البته باید گفت که دام در مقایسه با زمین اهمیت زیادی در مالکیت برخوردار نیست. معمولا دام ها تعلق به خانوار است.

آنچه که میتوان در ارتباط با بحث مالکیت مطرح کرد این است که در جامعه ایران چه شهر و چه روستا عرف حاکم بر جامعه طوری شکل گرفته است که همانگونه که زنان از حقی تحت عنوان «مهریه» برخوردارند مردان نیز در عوض مالکیت بر اموال غیر منقول را در خانواده عهده دار هستند وچندان هم مورد اعتراض واقع نمیشود. گرچه این عرف وقائده طی سالهای اخیر مخصوصا در مناطق شهری دچار تغییراتی شده است. برای روشن شدن این مسئله به پاسخ های ارائه شده به این سوال می پردازیم که از زنان مورد بررسی سوال شده است که نظر شما در مورد مالکیت زمین برای زنان چیست (اینکه زنان مالکیت زمین باشند) تعداد 6 درصد با مالکیت زنان بر زمین مخالف بوده اند و این مسئله را موضوعی جالب برای زنان نمی دانند.

#### 3- میزان مشارکت در تصمیم گیری خانوار :

در مورد میزان مشارکت زنان در تصمیم گیری نتایج بدست آمده حاکی است که تصمیمات مهم در مورد زمین (مثل خرید و فروش ، نحوه استفاده از آن) ، دام (خرید و فروش و...) ، خرید تجهیزات کشاورزی و دامداری و مدیریت محصول (نوع محصولی که قرار است کشت شود ، محصولاتی که قرار است به فروش برسد و...) عمدتا برعهده مردان خانوار است ( 80/8 درصد ) از زنان

روستایی سوال شده است که در خانواده شما در مورد محصولی که قرار است کشت شود، محصولاتی که قرار است به فروش برسد، حیواناتی که قرار است خرید و فروش شود، کارگرانی که قرار است استخدام شوند، تجهیزاتی که قرار است برای کشاورزی و دامداری خریداری شود چه کسی تصمیم می‌گیرد اکثریت افراد مورد بررسی اظهار داشته‌اند که عمدتاً مردان تصمیم‌گیری می‌کنند.

#### 4- میزان مشارکت در تصمیم‌گیری روستا :

در پاسخ به این سوال که آیا شما تابحال در تصمیم‌گیری‌های مربوط به کارهای اجتماعی خود (روستا) مشارکت داشته‌اید؟ اکثریت زنان مورد مطالعه اظهار داشته‌اند که تاکنون مشارکتی نداشته‌اند. (80/8 درصد) فقط 19/2 درصد زنان مورد مطالعه اظهار داشته‌اند که در تصمیم‌گیری‌های مربوط به کارهای اجتماعی خود (روستا) مشارکت داشته‌اند. از افرادی که اظهار داشته‌اند در تصمیم‌گیری‌های مربوط به کارهای اجتماعی خود (روستا) مشارکت داشته‌اند، نوع تصمیم‌گیری و فعالیت‌ها را جلسات عمومی شوراهای اسلامی روستا، مدرسه و فعالیت‌های عمرانی ذکر کرده‌اند.

جدول شماره 3: نوع فعالیت‌هایی که زنان در تصمیم‌گیری‌های مربوط به آن در روستا مشارکت دارند

درصد	فراوانی	نوع فعالیت
81/5	44	جلسات عمومی شوراهای اسلامی
7/4	4	جلسات مربوط به مدرسه
3/7	2	نحوه برگزاری مراسم عزاداری
1/9	1	اعتراضات عمومی
3/7	2	ساختن مسجد
1/9	1	تعمیرفاضلاب روستا
100	54	جمع

#### 5- کنترل بر درآمد :

مدیریت و کنترل بر درآمد حاصل از فعالیت‌های کشاورزی و دامداری نیز بر عهده مردان قرار دارد (63/1 درصد) در پاسخ به این سوال که چه کسی اختیار تصمیم‌گیری در مورد درآمدی که از محصولات کشاورزی و دامی حاصل می‌شود را دارد اکثریت اظهار داشته‌اند که عمدتاً این اختیار در دست مردان خانوار است. البته میزان اختیار زنان در محصولات دامی بیشتر از کشاورزی است. جدول زیر میزان مشارکت در تصمیم‌گیری و کنترل بر درآمد حاصل از فعالیت‌های کشاورزی و دامداری خانوارهای مورد مطالعه به تفکیک جنسیت نشان می‌دهد.

جدول شماره 4: میزان مشارکت در تصمیم‌گیری و کنترل بر درآمد حاصل از فعالیت‌های کشاورزی خانوارهای مورد مطالعه به تفکیک جنسیت

افراد تصمیم‌گیرنده	تصمیم‌گیری و کنترل				
	فقط مردان	عمدتاً مردان	عمدتاً زنان	فقط زنان	هر دو بطور مساوی
تصمیمات مهم در مورد زمین	42/5	34/4	7/7	2/3	13/2
تصمیمات مهم در مورد دام	21/5	40/4	18/5	9/2	10/4
کنترل بر روی درآمد	36/2	38	7/7	2/3	15/9

حاصل از کشاورزی					
کنترل بر روی درآمد حاصل از محصولات لبنی	20/6	31/9	12/2	23/9	11/3
تصمیم در مورد مدیریت درآمد خانوار	4/2	69/7	11/5	0/8	13/8
تصمیم در مورد نوع محصولی که قرار است کشت شود	81/4	9/5	7/7	1/4	-
تصمیم در مورد محصولاتی که به فروش می رسد	97/5	0/4	0/4	1/7	0
تصمیم در مورد خرید تجهیزات خانواده	100	-	-	-	-
تصمیم در مورد خرید تجهیزات زراعی	3/1	96/9	-	-	-
<b>میانگین</b>	<b>45/2</b>	<b>35/6</b>	<b>7/4</b>	<b>4/6</b>	<b>7/2</b>

### فعالیت های سودمند از نظر زنان :

به منظور شناخت وجهه نظر زنان روستایی مورد مطالعه در مورد چگونگی بهبود وضع معیشتی شان در روستا از آنها سوالات متعددی بعمل آمده است اولین سوال این بوده است که شما فکر میکنید چه نوع فعالیت سودمندی میشود در روستای شما انجام و یا مورد حمایت قرار داد که به نحوی که هم شما بتوانید مشارکت کنید و هم به وضع معیشتی خانوارتان کمک کند پاسخ های ارائه شده به این سوال به ترتیب اهمیت شامل حمایت دولت جهت ایجاد و گسترش دامداری نیمه صنعتی در روستاها بوده است. با توجه به نقش زیاد زنان روستایی در فعالیت های دامداری در روستاهای منطقه براین عقیده بوده اند که چنانچه دولت حمایت های مالی مناسب (در قالب وامهای کم بهره و بلند مدت) در این زمینه جهت ساخت جایگاه و خرید دام انجام دهد و آموزشهای لازم نیز جهت نحوه نگهداری (تغذیه، بهداشت و...) ارائه نماید میتواند منبع درآمد خوبی برای خانوارها بویژه زنان باشد. دومین فعالیتی که زنان روستایی به آن اشاره داشته اند زنبورداری در منطقه هنام است. با توجه به کیفیت خوب عسل تولیدی در منطقه زنان خواستار حمایت دولت جهت گسترش این فعالیت در منطقه شده اند. سومین فعالیت سودمند برای بهبود وضع معیشتی خانوارها پرورش بوقلمون در دو منطقه آنهم توسط زنان روستایی است. فعالیت دیگر پیشنهادی زنان، پرورش قارچ است. با توجه به اینکه طی سالهای اخیر قارچ بعنوان ماده خوراکی در رژیم غذایی خانواده های ایران و تقاضای مناسب بازار و نقش زنان در عمل آوری آن این نوع فعالیت بعنوان یک فعالیت سودمند از سوی زنان عنوان شده است. سبزی کاری در روستاها و گسترش کشت گلخانه ای نیز از جمله فعالیت های سودمند دیگری بوده اند که بیشتر زنان روستایی به آنها اشاره داشته اند.

جدول شماره 6 : فعالیت های سودمندی که زنان روستایی جهت بهبود وضع معیشتی خانوارها پیشنهاد داده اند

درصد	فراوانی	نوع فعالیت
59/6	161	دامداری نیمه صنعتی (گاو داری و پرورش گوسفند)
1/1	3	خرید و فروش دام
1/1	3	پرورش ماهی
3	8	مرغداری



درصد	فراواني	نوع فعاليت
7/4	20	زنبورداری
6/7	18	پرورش قارچ
4/8	13	پرورش بوقلمون
2/2	6	قالیبافی
13	35	کشاورزی (سبزیکاری، کاشت نخود ذرت، چغندر قند، باغداری، تاسیس گلخانه)
0/7	2	آبیاری تحت فشار
0/4	1	خیاطی
100	270	جمع

### نتیجه گیری :

بر اساس نتایج بدست آمده در ارتباط با نقش جنسیتی موجود در مراحل مختلف کشاورزی باید گفت که بیشترین نقش زنان مربوط به مرحله برداشت و کمترین میزان آن مربوط به بازاریابی و فروش محصولات می باشد. در مرحله کاشت بیشترین حضور زنان در بذر افشانی، داشت یا مدیریت محصول، وجین کردن، در برداشت جمع آوری محصول با دست و در مرحله پس از برداشت بیشترین نقش زنان در کیسه کردن محصول است.

در زمینه دامداری عمده فعالیت‌های دامداری توسط زنان روستایی انجام می گیرد. بیشترین میزان نقش زنان در فعالیت های دامداری به ترتیب اهمیت در زمینه شیردوشی، فرآوری مواد لبنی، نظافت دام، تغذیه دام و آماده سازی غذای دام است. علاوه بر آن میزان مشارکت زنان در فعالیت های مربوط به دام های سنگین (گاو و گوساله) در مقایسه با دام سبک (گوسفند و بز) بیشتر بوده است.

زنان روستایی علاوه بر فعالیت‌های کشاورزی در خارج از منزل، فعالیت‌هایی را نیز در ارتباط با مدیریت امور داخلی منزل انجام می دهند. این فعالیت ها عمدتاً توسط زنان انجام میشود. در بین فعالیت‌های مختلف سهم زنان در شستن لباس، نظافت خانه، پخت و پز، پخت نان و نگهداری از بچه ها بیشتر از سایر فعالیت‌هاست. نوع صنایع دستی که در حال حاضر در منطقه توسط زنان روستایی انجام می شود، شامل قالیبافی، گلیم بافی، رسن بافی، چیت بافی، دوک ریسی، ماش، چادر، بافندگی و موج بافی می باشد که اغلب به صورت دستی توسط زنان روستایی انجام می شود.

گرچه میزان مشارکت زنان روستایی در انجام امور مربوط به کشاورزی و دامداری قابل ملاحظه است، لیکن میزان نقش و حضور آنها در تصمیم گیری، دسترسی و کنترل بر عوامل تولید در سطح پائینی قرار دارد. عرف حاکم بر روستاهای کشور و فرهنگ مرد سالاری حاکم بر خانواده های ایرانی بویژه در مناطق روستایی فرصت های چندانی را برای برخورداری زنان در تصمیم گیری و دسترسی و کنترل موثر بر عوامل تولید محدود کرده است.

### پیشنهادات :

با توجه به نتایج بدست آمده از این تحقیق به منظور بهبود وضعیت زنان روستایی در روستاهای منطقه پیشنهادات ذیل ارائه شده است.

- براساس نتایج بدست آمده از بررسی وضعیت تحصیلی زنان روستایی مورد مطالعه نشان میدهد که بیش از نیمی از آنها بی سواد بوده اند (54 درصد). علاوه بر آن 14/9 درصد نیز صرفاً دارای سواد خواندن و نوشتن بوده اند. بنابراین گسترش کلاس های آموزش سواد آموزی در روستاهای منطقه امری ضروری است. -با توجه به اینکه در سطح روستاهای منطقه تاکنون آموزشی زنان روستایی ندیده اند بنابراین گسترش آموزشهای مهارتی و ترویجی در روستاهای منطقه یکی از ضروریات منطقه است. اهمیت این مسئله زمانی چند برابر احساس میشود که می بینیم در حال حاضر 68 درصد فعالیت های دامداری، 100 درصد فعالیت های صنایع دستی و 28 درصد فعالیت های زراعت توسط زنان روستایی انجام می شود.

-دسترسی کم زنان روستایی به اعتبارات و تسهیلات دولتی از جمله تنگناهای دیگری است که در منطقه وجود دارد. بخش عمده ای از این دسترسی کم به شرایط خود زنان برمی گردد (زنان خود خواهان آن نیستند) و برخی نیز ناشی از ساختار اقتصادی، اجتماعی حاکم بر منطقه و روستا است (فقدان سند مالکیت جهت وثیقه گذاری در بانک ها و...) آنچه که در این ارتباط میتوان پیشنهاد نمود راه اندازی صندوق های قرض الحسنه زنان روستایی در منطقه است که بخشی از سرمایه این صندوق ها میتواند از پس اندازهای خرد موجود زنان تامین و بخشی نیز با استفاده از تسهیلات دولتی پشتیبانی و حمایت گردد. با راه اندازی این صندوق های قرض الحسنه محلی در منطقه میتوان به تقاضاهای موجود زنان روستایی در روستاها در زمینه فعالیت های اقتصادی سود آور مثل پرورش قارچ، پروار بندی دام، زنبور داری، کارگاههای صنایع دستی و... پاسخ داد.

-با توجه به حضور کم زنان روستایی در مدیریت روستا و نهاد های محلی به لحاظ محدودیت در رفت و آمدها و مسافرت های برون روستایی و اشکال در ارتباط گیری مسئولان دولتی (عمدتاً سراغ مردان می روند) و وجود برخی دیدگاههای سنتی در بین مردم روستایی و برنامه ریزان و... ضرورت آگاه سازی زنان روستایی در این زمینه و گوشزد نمودن اهمیت حضور آنها در تصمیم گیری روستا از یک سو و راه اندازی تشکل های مشارکتی محلی از سوی دیگر ضروری است.

با توجه به تقسیم کار سنتی موجود در روستاهای منطقه که در آن فعالیت هایی از قبیل نگهداری طیور، نگهداری دام (بویژه دام سنگین)، صنایع دستی و... فعالیت هایی زنانه تلقی میشود اولویت گذاری در حمایت از اینگونه فعالیت ها در منطقه به زنان روستایی از اهمیت خاصی برخوردار است. توجه به اینگونه فعالیت ها و اولویت درگسترش آن در روستاها بعنوان فعالیت های درآمد زا برای خانوارها بویژه زنان روستایی می تواند نتایج خوبی را برای بهبود معیشت روستائیان ایفا نماید.

-با توجه به سنتی بودن نوع تکنولوژی های مورد استفاده در فرآوری محصولات دامی از قبیل مشک پوستی، مشک فلزی و... که مستلزم صرف وقت زیاد خانم ها در بکارگیری اینگونه وسایل است و از سوی دیگر وجود برخی دستکاریهای محلی توسط برخی زنان روستایی ساکن در روستاهای مرک در تبدیل ماشین کهنه شوی به

وسیله نسبتاً مناسب کره گیری در روستا، میتوان با مشارکت خود خانم های نوآور و برخی تکنسین های فنی اقدام به بهینه سازی ابزارهای مورد استفاده زنان نمود. این مسئله مستلزم برگزاری جلسات توجیهی برای زنان و فرآخوان عمومی از استاد کاران مربوطه موجود در منطقه بعنوان اولین اقدام جهت طراحی ابزار مناسب می باشد.

- از آنجائیکه زنان روستاهای منطقه نقش زیادی در وجین کردن محصولاتی مثل نخود، چغندر قند و... دارند واز سوی دیگر اینگونه فعالیت ها برای زنان و دختران روستایی سخت و وقت گیر می باشد لذا ارائه راهکارهای مناسب از قبیل در اختیار قرار دادن وسایل و ادوات وجین کنی یا معرفی وسموم مناسب مبارزه با علف هرز در مزارع منطقه از اهمیت زیادی برخوردار است.

- یکی از مشکلات ذکر شده از سوی زنان روستایی منطقه وجود دختران جوان ودر عین حال دارای تحصیلات دانشگاهی بیکار ویا جویای کار در منطقه است. از سوی دیگر خود زنان روستایی فعالیت های سود آور زیادی را در روستا پیشنهاد داده اند که شامل پروار بندی دام، پرورش قارچ، زنبور داری، کشت گیاهان گلخانه ای و... بوده است که نیاز به سرمایه گذاری زیادی دارد که از عهده برخی خانوارها خارج است لذا جهت ایجاد اشتغال این افراد و بهبود وضع معیشتی آنها پیشنهاد می گردد در ارائه تسهیلات دولتی جهت گسترش فعالیت های سود آور در روستا، اینگونه افراد در اولویت قرار گیرند. ازسوی دیگر تربیت برخی از این افراد تحصیلکرده جهت مروجین دام وکشاورزی در روستاها با ارائه آموزشهای فنی لازم در زمینه واکسیناسیون دام، تغذیه و بهداشت دام، درمان دامها و... میتواند تاثیر زیادی در اشتغال به کار آنها داشته باشد.

- در روستاهای مورد مطالعه تعداد زیادی خانوارهای باسرپرست زن وجود دارند که زنان این خانوارها بعلت نبود مرد خانوار مجبورند بسیاری از فعالیت هایی را که مرد خانوار انجام میداده است را انجام دهند. این زنان مشارکت بالایی در امور مربوط به روستا و فعالیت های اقتصادی \_ اجتماعی دارند. توجه خاص به اینگونه خانوارها و اولویت دادن به آنها در برنامه های توسعه مربوط به هر روستا دارای اهمیت می باشد.

- درحال حاضر در روستاهای منطقه صنایع دستی زیاد و متنوعی وجود دارد که ریشه در فرهنگ و فعالیت های زنان روستایی این منطقه دارد. سازماندهی زنان روستایی منطقه در قالب شرکت های تعاونی صنایع دستی به منظور برخورداری زنان از حمایت های تسهیلاتی دولت و همچنین بازار یابی لازم توسط این تعاونی ها و ارائه خدمات آموزشی لازم در جهت افزایش کیفیت محصولات تولیدی می تواند بعنوان درآمد مکمل خانوار های روستایی عمل نماید. در این زمینه جلب همکاری سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی منطقه ضروری است.

#### منابع :

1. گرت، استفانی. (1379). "جامعه شناسی جنسیت". ترجمه: کتایون بقاییر، تهران: نشر دیگر.
2. لیس توریس، اماری، روزاریو، روزاریو دل، (1375) جنسیت و توسعه، ترجمه جواد یوسفیان، تهران، نشر بانو

3. حبیبی، شهلا. بلادی موسوی، صدرالدین. (1377) "مبنای برنامه ریزی بارویکردجنسیتی". تهران: نشرریحانه.
4. خانی، فضیله. (1385) "جنسیت و توسعه". تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی. لیس
5. گیدنز، آنتونی. (1377). "جامعه شناسی". ترجمه: منوچهر صبوری، تهران: نشرنی.
6. ریترز، جورج. (1374). "نظریه جامعه شناسی دردوران معاصر". ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: نشرعلمی.
7. نوری، کیومرث، بررسی آثار سیاست های کلان و کشاورزی بر بخش کشاورزی و معیشت روستائیان در مناطق مرک وهنام

## ABSTRACT

This study on gender and livelihood aims to find new ways of improving the incomes of rural households, based on the role of women in agricultural production and the division of labor in socioeconomic activities between men and women. It targets eight villages in two regions: Merek (Kermanshah Province) and Honam (Lorestan Province), and was carried out through conducting a social survey (quantitative research) and a participatory rural appraisal - PRA- (qualitative research). The results from qualitative and quantitative research were integrated.

The study focused on gender roles in agricultural activities; women's access, control and share of income; and their perceptions and impressions of ways of improving their family livelihood. Theories and overviews on *gender and development*, gender inequality, feminism, and other issues, are summarized in the study.

The study revealed that the roles played by women in the agricultural field, concentrated on seeding, planting, weeding, harvesting and packing; leaving operating machinery and marketing to men. In the field of animal production, women's roles concentrated on milking, rather than cleaning or feeding. Handicrafts, however, were mainly women's activities, with very little participation from men. Despite the major role women play in the provision of household income, the patriarchal culture in rural families leaves fewer opportunities for women to take part in decision-making and to have access to resources.

To improve their livelihoods, rural families need training (informal) and education (formal) to help establish and develop businesses and income-generating activities using the small savings of local people and credit from the government.

**KEYWORDS:** GENDER, RURAL WOMEN, LIVELIHOODS, PARTICIPATORY